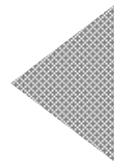


تأثیر سیاست‌های نولیبرالیستی و نومر کانتیلیستی در توسعه اقتصادی برزیل (۱۹۸۵-۲۰۱۶ م)



هادی آجیلی^۱

مهدی رضایی^۲

(تاریخ دریافت ۹۷/۰۹/۲۰ - تاریخ تصویب ۹۸/۳/۹)

چکیده

بحران سقوط دولت دیلما روسف از حزب کارگر در سال ۲۰۱۶ به اتهام فساد و اختلاس و به قدرت رسیدن نامزد حزب مخالف راستگرای پی اس دی بی، بار دیگر توجهات در جهان را به سوی برزیل و تحولات سیاسی در آن جلب نمود. صرف نظر از منازعات متداول و مطول سیاسی در این کشور، خیز اقتصادی برزیل در چند دهه اخیر و مطرح شدن این کشور به عنوان وزنه ای مهم در معادلات سیاسی و اقتصادی منطقه ای و جهانی، به خصوص پس از تشکیل گروه «بریکس»^۲ در سال ۲۰۰۹، مطالعه تحولات مرتبط با رشد و توسعه سریع اقتصادی در این کشور به عنوان بزرگترین اقتصاد منطقه آمریکای لاتین و یکی از با قابلیت ترین اقتصادهای جهانی را از اهمیتی بیش از پیش برخوردار ساخته است.

بررسی تطبیقی سیاست‌های توسعه اقتصادی در برزیل در طول حدود سه دهه اخیر مبین نوسانات

۱- دکترای روابط بین الملل، استادیار روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران (نویسنده مسئول)

(hadiajili@yahoo.com)

۲- دکترای روابط بین الملل، دانش آموزخته دکتری دانشگاه علامه طباطبائی

و افت و خیزهای قابل توجهی در مسیر توسعه اقتصادی در این کشور به ویژه بین دو سیاست اقتصادی بازار محور نولیبرالی و دولت محور نومرکانتیلیستی و یا بعضا به صورت آمیزه ای از این سیاستهاست. بر این اساس موضوع اصلی پژوهشی در این نوشتار بررسی تطبیقی دو سیاست غالب در توسعه اقتصادی برزیل در سه دهه اخیر یعنی سیاست نولیبرالی و نومرکانتیلیستی توسعه اقتصادی با اتکا به شاخص ها و نمایه های مشخصی همچون «فهرست توسعه انسانی»، «ضریب جینی»، «نرخ تورم»، «نرخ سرمایه گذاری خارجی» و «شاخص پولی» است.

پوشش اصلی در این نوشتار آن است که کدام سیاست اقتصادی (نولیبرالی و نومرکانتیلیستی) در توسعه اقتصادی برزیل در سه دهه اخیر نقش مهمتری داشته اند؟ **فرضیه اصلی** ارائه شده مبتنی بر این پرسش آن است که سیاست های اقتصادی نومرکانتیلیستی تبلور یافته در حزب کارگر بیش از سیاستهای اقتصادی نولیبرالی متبلور در حزب پی اس دی بی در توانمند سازی اقتصادی برزیل و رشد و توسعه اقتصادی در این کشور موثر بوده است.

واژگان کلیدی: برزیل، توسعه اقتصادی، نولیبرالیسم، نومرکانتیلیسم

مقدمه

پیش از ذکر مبانی نظری این نوشتار لازم است تا در خصوص رهیافت مطالعات توسعه در برزیل و مهمترین نقاط عطف در تاریخ رشد و توسعه اقتصادی این کشور تا قبل از سال ۱۹۸۵ چند جمله ای به اختصار ذکر شود.

تاریخ اقتصاد توسعه در برزیل را می توان بر اساس تقسیم بندی های موجود از نقاط عطف در مطالعات مربوط به اقتصاد سیاسی کل منطقه در ۵۰۰ سال گذشته، در قالب ۳ مرحله کلی عصر سیصد ساله استعمار، عصر پس از استقلال در قرن ۱۹ و الگوهای متنوعی از توسعه اقتصادی در قرن بیستم و پس از آن تقسیم بندی و مطالعه نمود. (Holand Barbosa, Fernando, 2004, 36)

از دوران طلایی سالهای قبل از جنگ جهانی اول که طی آن و به لطف نظم اقتصادی لیبرال حاکم بر جهان برزیل یکی از سریع ترین دوران رشد و اقتصادی خود را طی نمود^۱ تا سالهای

۱- در قرن نوزدهم و تحت رژیم تجاری آزاد و لیبرال پکس بریتانیکا تجارت خارجی در برزیل با اتکا به صادرات محصولات

رکود در دهه ۳۰ قرن بیستم و متعاقب آن که شاهد توسعه رژیم اقتصادی حمایتگرا در کل منطقه و رشد آرام اقتصاد جهانی در سایه اقتصاد کینزی بوده ایم، برزیل تا کنون چهار مقطع مهم و متفاوت را در اقتصاد توسعه خود پشت سر نهاده است که شامل: ۱- الگوی حمایتگرایانه توسعه اقتصادی در دوران دیکتاتوری ورگاس از ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۵^۱ ۲- الگوی فوق حمایتگرایانه توسعه اقتصادی در جمهوری دوم از ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۴^۳-سرفت و زوال تدریجی اقتصادی در حکومت نظامیان از ۱۹۶۴ تا سال ۱۹۸۵^۴- الگوی نولیبرالی و نومرکانتیلیستی توسعه از ۱۹۸۵ به این سو و همزمان با بازگشت دموکراسی به برزیل می گردد. (Vicente, Juan, 2012. 13-14) مقطع اخیر در سطح ملی نیازمند بررسی سیاست های اقتصادی دو حزب رقیب و عمده در این کشور یعنی حزب پی اس دی بی و حزب کار گراست.

کشاورزی شکوفا گردید. تا اواسط قرن نوزدهم ۴۲٪ صادرات برزیل را قهوه و ۲۷٪ را شکر، ۹٪ را چرم و ۸٪ را پنبه تشکیل می داد. رشد اقتصادی قابل توجهی در سالهای ۱۸۲۰ تا ۱۸۴۰ در این کشور ایجاد شد به گونه ای که فقط ارزش صادرات برزیل در مدت دو دهه به دو برابر افزایش یافت. سرعت رشد توسعه اقتصادی برزیل در نیمه دوم قرن بیستم همپای توسعه اقتصادی در کشورهای اروپایی و حتی فراتر از آنها بود. برای مطالعه بیشتر رک به:

Antonio, Jose Ocampo & Bertola, Luis, Desarrollo Vaivenes y Desigualdad, Una Historia Economica De America Latina Desde La Dependencia, Secretaria General Ibero Americana, 2009.

۱- از سال ۱۸۸۹ و سقوط نظام پادشاهی در برزیل تا ۱۹۳۰ که ژولیو ورگاس به قدرت رسید، ۱۳ رئیس جمهور در برزیل به قدرت رسیدند. دوران شکوه و رونق اقتصادی برزیل بتدریج پس از جنگ جهانی اول رو به افول نهاد. در دوران دیکتاتوری ۱۵ ساله ژولیو وارگاس از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۵ نوعی مدل توسعه اقتدارگرا با محوریت وی و با اتکا به راهبرد توسعه مبتنی بر جانشینی واردات اجرا شد. در طول این سالها متوسط نرخ رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی به حدود ۴ درصد و در دهه ۵۰ قرن بیستم به بیش از ۷ درصد رسید. برای مطالعه بیشتر رک به: <http://countrystudies.us/brazil/16>

۲- از سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۵ که ارتش در برزیل قدرت بلا منازع بود، ۵ رئیس جمهور نظامی دست راستی در این کشور به قدرت رسیدند. در ابتدای این مقطع اقتصاد برزیل حتی به یک معجزه اقتصادی نیز نزدیک تر شد به طوری که از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۳ برزیل طی یک جهش تاریخی توانست متوسط نرخ رشد اقتصادی خود را به رقم بیش از ۱۱ درصد در ۵ سال متوالی برساند. اما شوک نفتی ۱۹۷۳ و تغییرات کلان در صحنه اقتصاد جهانی و از جمله الغا نظام برتن وودز در مجموع به زیان دولت های نظامی در این کشور بود. برای مطالعه بیشتر رک به:

Altmann, Josette & Fander Falconi, America latina y el Caribe: perspectivas de Desarrollo y coincidencias para la Transformacion del estado, Publicaciones de Flacso, 2011.

پیشینه تحقیق

با بررسی آثار پیشین در این حوزه به چند اثر می توان اشاره نمود. یکی مقاله خانم سعیده خادم المله با عنوان «بررسی عوامل تبدیل برزیل به یک قدرت نوظهور اقتصادی» در فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱ است که ایشان در مقاله مذکور صرفاً به روند جهش اخیر برزیل به عنوان یک اقتصاد نوظهور پرداخته اند ضمن آنکه مقاله منابع نسبتاً قدیمی دارد. مقاله دیگر نوشته حسین جمالی است با عنوان «اقتصاد سیاسی توسعه و دموکراسی در برزیل (۲۰۱۱-۱۹۶۰)» در فصلنامه مطالعات میان رشته ای، دوره ۷، پاییز ۹۴. همچنین، یک پایان نامه ارشد دانشجویی نیز وجود دارد با عنوان «دولت و توسعه در برزیل (۱۹۹۵-۲۰۱۱)» از خانم زهرا همتی در دانشگاه تهران که هم به لحاظ دوره مورد بررسی هم از منظر چارچوب نظری با اثر حاضر متفاوتند.

سیاست‌های نولیبرالی و نومرکانتیلیستی در برزیل از ۱۹۸۵ م

برای بررسی الگوهای توسعه اقتصادی در برزیل در طول سه دهه اخیر و از جمله بررسی تطبیقی میان آنها و نیز داوری در خصوص میزان موفقیت آمیز بودن هر یک از این راهبردها بر اساس نمایه های منتخب، در ابتدا می بایستی این دو رهیافت نظری در اقتصاد توسعه را از لحاظ مبانی مفهومی و تنوریک مورد بررسی و واکاوی قرار دهیم.

الگوی نولیبرالی توسعه اقتصادی

در اوایل دهه ۸۰ قرن بیستم شرایط بحرانی و حاد اقتصادی و سیاسی، حکومت نظامی وقت را وادار به تغییرات و اصلاحات اساسی اقتصادی و سیاسی به ویژه اتخاذ راهبردی جدید در توسعه اقتصادی کشور از طریق اجرای یک «الگوی نولیبرالی توسعه» و آزاد سازی تجاری و اقتصادی نمود. این راهبرد برگردانی از سیاست های موسوم به «اجماع واشنگتن»^۱ یا تعدیل ساختاری بود

۱- با به روی کار آمدن دولتهای راستگرا در غرب در دهه ۸۰ قرن بیستم، زمینه های اجرای سیاستهای توسعه ای موسوم به اجماع واشنگتن در کشورهای آمریکای لاتین بیش از پیش فراهم و منجر به تعمیق جریان جهانی شدن اقتصاد به خصوص در این کشورها شد. برای مطالعه بیشتر رک به:

که در همه کشورهای منطقه آمریکای لاتین کمابیش به عنوان راهبرد مناسب برای توسعه اقتصادی و غلبه بر بحران دهه‌ها از اوایل دهه ۸۰ قرن بیستم و با هدف رسیدن به اقتصادی آزادتر، غیر دولتی تر و بازار محور تر اجرایی گردید. در حوزه اقتصاد توسعه، نولیبرالیسم به نوعی بازگشت به لیبرالیسم کلاسیک یا تخطی از اصول اقتصادی مبتنی بر کنزینیزم و پایان دولت رفاهی نیز توصیف شده است. این بازگشت در دوران جهانی شدن اقتصاد به معنای افزایش اهمیت و نقش متغیرهای بین المللی توسعه اقتصادی و از جمله بازار محور شدن اقتصادهای ملی و تاکید بر نقش بازارهای مالی و صادراتی بوده است. (Jackson, Robert, 2009, 27) از لحاظ آکادمیکی نیز تاسیس مکتب شیکاگو به رهبری میلتون فرید من^۱ در اواخر دهه ۷۰ قرن بیستم حاکی از پایان رسمی کنزینیزم از منظری آکادمیک و اتخاذ رویکردی نو به سیاستهای اقتصاد جهانی بود که ایدئولوژی نولیبرالیسم در کانون آن قرار داشت. (Manfered B. Steger, 2010, 33) سیاست های اقتصادی نولیبرال در جهان در حال توسعه به رغم پیچیدگی های نظری خود اما به طور خلاصه عمدتاً معطوف به خصوصی سازی گسترده، دولت رفاهی مینیم یا حداقلی، کاهش ارزش پول ملی جهت ورود سرمایه های بین المللی و قوت بخش صادراتی و رفع تعرفه های تجاری بوده است و از لحاظ نظری در جهان توسعه یافته تر به نوعی آنتی تز در برابر کنزینیزم حاکم بر نظام اقتصاد جهانی پس از نظم برتن وودزی تعبیر شده است. (Peet, Richard, 2008, 160) در این میان سیاست های نولیبرالی توسعه برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه همچون برزیل، به معنای کنار گذاشتن الگوی حمایتگرایانه کینزی و قرار دادن اقتصاد ملی در معرض آزاد سازی دفعی بوده است. نخستین بار این جان ویلیامسون پژوهشگر انستیتو اقتصاد بین الملل بود که در اوایل دهه ۸۰ قرن بیستم این اصطلاح را در اشاره به سیاستهای اقتصادی به کار برد که در ابتدا به عنوان مجموعه ای از توصیه های نهادهای مالی و

۱- در ادبیات اقتصادی سالهای اخیر میلتون فرید من استاد اقتصاد دانشگاه شیکاگو ۱۹۱۲-۲۰۰۶ از لحاظ بازسازی نظم لیبرال در جهتی نولیبرال به عنوان چهره ای محوری به شمار می رود. او رهبر «مکتب اندیشه اقتصادی پولی» بود که سیاستهای مالی برای مدیریت تقاضا توسط دولتها را رد می کرد. او بر ایجاد بازارهای رقابتی و ابتکارات فناوری تاکید داشت. این طرز تلقی راستگرایانه از اقتصاد در خود امریکا پس از محو کنزینیزم کم نظیر بود و «مکتب شیکاگو» را در محور نولیبرالیسم اقتصادی قرار داد. برای مطالعه بیشتر رک به:

پولی بین‌المللی برای کشورهای فوق‌العاده بدهکار آمریکای لاتین ارایه شده بود. او سیاستهای نولیبرالی توسعه را شامل سیاستهای اقتصادی مختلفی می‌دانست که عمدتاً در خصوصی سازی سریع، کاهش ارزش پول ملی و کاهش تعرفه‌ها به منظور رقابتی شدن و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی خلاصه می‌گردید که این سیاستها به منزله قرار دادن اقتصاد ملی در معرض آزاد سازی سریع بود.^۱ (Pee, Richard: 161-163) برای تأمل و ارزیابی در خصوص نحوه تأثیر پذیری اقتصاد برزیل از سیاست‌های نولیبرالی توسعه، مشخصاً می‌توان این تغییرات را در دوران چهار دولت نولیبرال سارنی، دمیو، فرانکو و کاردوسو بررسی نمود که از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۴ قدرت را در برزیل در دست داشتند و خاستگاه سیاسی آنها عمدتاً حزب لیبرال^۲ PSDB بود.

الگوی نومرکانتیلیستی توسعه اقتصادی

در حالی که رویکرد نولیبرالی توسعه در اقتصاد سیاسی یک رویکرد کاملاً شناخته شده است، رویکرد نومرکانتیلیستی به عنوان نوعی سیاست توسعه اقتصادی غیر مصطلح، نیازمند توضیح و تبیین بیشتری است. رویکرد مرکانتیلیستی به توسعه در زمان سیطره قدرت‌های استعماری عمدتاً در سطح ملی بیشتر معطوف به مفاهیمی همچون دولت مدرن، پروتکشنیزم یا ملی‌گرایی اقتصادی و در سطح بین‌المللی در دوران جنگ سرد، مبتنی بر نظریه ثبات بر پایه سیطره بوده است. (Carreras, Albert, 2010: 49) اما با تغییرات گسترده در نظام اقتصاد جهانی و برخی ناکامی‌های رویکرد نولیبرالی، رویکرد نومرکانتیلیستی به توسعه اقتصادی با تجدید نظر در برخی مفروضات رویکرد مرکانتیلیستی به خصوص در زمینه نقش دولت و فضای آنارشیک در سطح

۱- ویلیامسون این سیاستها را به طور مشخص شامل سیاست‌های ذیل می‌داند: ۱- نزاکت مالی ۲- کاهش هزینه‌های عمومی و حذف یارانه‌های دولتی ۳- اصلاحات مالیاتی (کاهش مالیات ثروتمندان برای تسریع در انباشت اولیه) ۴- جهت‌بخشی بازاری به نرخ‌های بهره به جای جهت‌بخشی دولتی ۵- نرخهای مبادله‌ای رقابتی ۶- آزاد سازی تجاری ۷- تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان منابع اصلی سرمایه و فناوری ۸- خصوصی سازی ۹- حذف نظارت دولتی یا نظارت زدایی ۱۰- تأمین حقوق مالکانه و تضمین مالکیت خصوصی ۱۱- کاهش ارزش پول ملی برای توسعه صادرات بر اساس راهبرد توسعه صادرات ۱۲- تسهیل واردات کالا و خدمات از طریق نهادهای منطقه‌ای و جهانی مسئول. برای مطالعه بیشتر رک ب:

Peet, Richard and Hartwick, Elaine "Theories of Development", Guilford Press, 2009

۲- Brazilian Social Democracy Party

جهانی از دهه ۹۰ قرن بیستم به این سو، سعی در ایجاد نوعی سازگاری و آشتی بین دو دیدگاه لیبرالی «همگرایی» و دیدگاه رادیکال «واگرایی» در نظام اقتصاد جهانی داشته است که ایده دولت توسعه گرا در محور آن قرار دارد. (Jackson, Robert, 64-65) نومرکانتیلیستها موجودیت و مشروعیت نظام اقتصاد جهانی بازار محور و لیبرال را می پذیرند با این حال این نظام را در کل وابسته به خواست و اراده دولتها تفسیر می کنند. به اعتقاد آنها در چارچوب این نظام دولتها نقشی محوری در تعیین سیاست های اقتصادی و تجاری دارند که می تواند بر مسیر توسعه اقتصادی در آنها اثر گذار باشد. (<https://mises.org>) به ویژه از دهه ۹۰ قرن بیستم به این سو و پس از سلطه کوتاه مدت و بدون چالش سیاستهای نولیبرالی در مباحث توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، تا اندازه ای شاهد نضج و رشد افکار نومرکانتیلیستی از جمله در شرق آسیا و آمریکای لاتین و در اعتراض به سرمایه محوری بیش از حد سیاست های توسعه ای نولیبرال بوده ایم. بر این اساس، نظریه نومرکانتیلیستی توسعه در تباین ذاتی با نظریه اقتصادی نولیبرال قرار ندارد، با این حال بسیار دولت محورتر و نظارت محور تر است و تا اندازه زیادی متبادرکننده رویکرد نوکزنیزمی^۱ به توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. (Pee, Richard: 178) به اعتقاد نومرکانتیلیستها پروتکشنیزم در زمانی که به نظر می رسد نظام اقتصادی قادر به ارائه «کالاهای عمومی»^۳ لازم نیست راهی برای برخی دولتها جهت حمایت از اقتصادهای ملی به شمار می رود. آنها همچنین طرفدار یک رابطه متوازن میان قدرت دولت و نیروهای بازار هستند و بر خلاف کلاسیسیستها و نوکلاسیسیستها قایل به مداخلات دولت و نقش تنظیم کننده آن هستند. به باور آنها مداخله دولت باعث ناکارآمدی بازار نمی شود اما آنچه که ممکن است سبب ناکارآمدی بازار شود برخی «ناکارایی های بوروکراتیک»^۴ و «ناکارآمدی

۱- Neo keynesianism

۲- نومرکانتیلیستها موفقیت ژاپن در دستیابی به توسعه سریع اقتصادی در دوران پس از جنگ جهانی دوم را به دلیل اتخاذ رویکردی نومرکانتیلیستی تفسیر و حتی توسعه متاخر بیرهای آسیایی را به اتخاذ همین راهبرد منسوب می نمایند.

۳- مفهوم کالاهای عمومی Collective Goods برای اشاره به نظریه ثبات بر پایه سیطره در اقتصاد سیاسی بین الملل به کار می رود که بیشتر به نقش محوری قدرت هژمون در تامین ثبات مالی و پولی جهانی اشاره دارد. برای مطالعه بیشتر رک به: Kegly, W. Charles, and Blanton Shanon, "World Politics", WADSWORTH, 2013.

۴ - Beaucroatic Failurs

های اداری»^۱ است، به علاوه اگر همه چیز نیز به بازار واگذار شود ممکن است «انحصاراتی»^۲ ایجاد شود و فضای رقابتی به نفع برخی انحصارات در بازار از بین برود. به این ترتیب به اعتقاد مرکانتیلیستهای مدرن باید تعادلی میان بازار و دولت ایجاد شود. به نظر آنها وجود یک «ظرفیت اداری - سیاسی توسعه یافته»^۳ برای تنظیم حدود مداخلات دولت در اقتصاد و مکانیزم بازار لازم است. www.economicshelp.org براساس آنچه که گفته شد اگر چه سیاست های توسعه اقتصادی در برزیل در طول سه دهه اخیر عمدتاً آمیزه ای از سیاست های نولیبرالی و نو مرکانتیلیستی بوده است، با این حال با توجه به مخالفت صریح مانیفست حزب کارگر برزیل با سیاست های نولیبرالی و برعکس تصریح حزب پی اس دی بی به متعهد بودن به آزاد سازی اقتصادی، نتایج حاصله از اجرای این سیاست ها می بایستی در کارنامه اجرایی دو حزب مورد بررسی تطبیقی قرار گیرد.

برای بررسی نتایج سیاست های نو مرکانتیلیستی توسعه اقتصادی در برزیل می بایستی سیاست های اقتصادی دولت های کارگری لولا و روسف از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶ مورد واکاوی قرار گیرد.

فرایند توسعه اقتصادی در برزیل از ۱۹۸۵ م

پس از طرح مبانی نظری و مفهومی در این نوشتار، نوبت به بررسی و تطبیق این دو الگو در سه دهه اخیر در توسعه اقتصادی برزیل می رسد. در سال ۱۹۸۵ و پس از پایان ۶ سال ریاست جمهوری آخرین رئیس جمهور نظامی برزیل، این کشور نیز تحت تاثیر شرایط بین المللی و منطقه ای جدید به سوی اجرای سیاست های آزاد سازی اقتصادی و حکمرانی دموکراتیک تر تغییر جهت داد که در نتیجه این تحولات شاهد ظهور یک الگوی جدید از نوسازی و توسعه اقتصادی در برزیل بوده ایم. برای برزیل نیز همانند سایر کشورهای منطقه آمریکای لاتین دهه ۸۰ قرن بیستم به دلیل تغییرات اساسی در الگوی توسعه اقتصادی به عنوان «دهه گمشده»^۴ یا دهه

۱- Administrative Inefficiencies

۲- Monopolies

۳- Developed Administrative-political Capacity

۴- Lost Decade

از دست رفته در ادبیات اقتصادی این کشور شناخته می شود. مشکلاتی نظیر تورم حاد و نجومی در نتیجه سیاست رها سازی قیمت ها و آسیب های بسیار شدید اجتماعی و طبقاتی که بخش اعظمی از طبقات متوسط را تا پرتگاه فقر سوق داد، از مهمترین چالشهای اقتصادی دولت های برزیل در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ قرن بیستم به شمار می رفت. (Haber, Stephen, 1997, 101) به منظور بررسی دقیق و تفصیلی سیاست های نولیبرالی توسعه اقتصادی در برزیل می بایستی عملکرد اقتصادی چهار دولت «خوزه سارنی» «فرناندو دمیو» «یتامار فرانکو»، «انریکه کاردوسو» در قالب نمایه های منتخب مورد بررسی و واکاوی دقیق قرار گیرد.

«خوزه سارنی» (۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ م)

خوزه سارنی پس از مرگ آخرین حاکم نظامی برزیل و همزمان با تغییرات پارادایماتیک در راهبرد توسعه اقتصادی در کل منطقه به مقام ریاست جمهوری این کشور رسید. او اولین رئیس جمهور غیر نظامی و آخرین رئیس جمهوری بود که برای یک دوره پنج ساله و از طریق آرای غیرمستقیم مردم انتخاب می شد. نقش او در انتقال نظام سیاسی برزیل از یک دولت نظامی به یک دولت مدنی نقشی بی بدیل بوده است.^۱ با این حال او فقط توفیقاتی در بازکردن فضای سیاسی کشور داشت و برنامه های اقتصادی او و به ویژه مبارزه با تورم حاد که متاثر از جریان آزاد سازی اقتصادی در کل منطقه و تغییرات بنیادین در راهبرد توسعه اقتصادی نولیبرالی بود، با شکست بسیار بدی روبرو شدند. (Cristina, Mariana. 2011, 28-29) در دهه ۸۰ قرن بیستم نرخ تورم در برزیل به طور متوسط سالیانه در حدود ۱۰۰ تا ۲۷۰ درصد بود. بین فوریه ۸۹ و مارس ۹۰ نرخ تورم با افزایش ۸۶ درصدی در هر ماه به رقم نجومی ۲۷۵۱ درصد رسید. علت تورم حاد در این زمان سیاست عرضه شدید پولی و افزایش حجم نقدینگی در اثر نرخ های بسیار

۱- کاستی های ناشی از نحوه انتخاب رئیس جمهور در دوران گذار به دموکراسی منجر به برگزاری همه پرسی در خصوص ماهیت نظام سیاسی در برزیل گردید که گام مهمی در راه تثبیت دموکراسی و توسعه سیاسی در این کشور در سال ۱۹۸۸ بود. قانون اساسی جدید در سال ۱۹۸۹ بیشتر سعی نمود برزیل را به سوی نوعی نظام پارلمانی مدرن سوق دهد. برای مطالعه بیشتر رک http://www2.congresso.gov.pe/sicr/cendocbib/con4_uibd.nsf/onstutuci%C3%B3n_Brasil.pdf:

بالای بهره (تا بیش از ۱۷۰ درصد در ماه^۱)، واگذاری های دولتی و از دست رفتن کامل اطمینان از نظام مالی و پولی کشور بود. (Vicente, Juan, 58-59) نظم مبتنی بر دهه ها اجرای سیاست های حمایتگراییانه اقتصادی در حال فروپاشی بود و درک درستی از اقتصاد به شدت بازاری و سرمایه دارانه نولیبرال که از سوی سازمانها و نهادهای توسعه ای جهانی توصیه می گردید، وجود نداشت. با شکست برنامه های مهار تورم، دولت برزیل در نهایت به فکر کاهش شدید ارزش پول ملی از ژانویه ۱۹۸۹ افتاد که در نتیجه آن ارزش ریال قدیم برزیل در برابر دلار بیش از ۵۰ درصد کاهش یافت. <http://repositorio.cepal.org> به طور کلی دولت سارنی در برزیل صرفا یک دولت گذار بود که زمینه های توسعه و تحول اقتصادی در برزیل را از یک الگوی به نسبت حمایتگراییانه به یک الگوی نولیبرال فراهم نمود که این تحولات تاوان اجتماعی سنگینی در پی داشت. در این زمان بیش از ۴۰ درصد مردم برزیل در فقر نسبی به سر می بردند و طی ۴ سال درآمد سرانه مردم برزیل بر اساس نمایه تولید ناخالص داخلی از ۳۰۰۰ دلار به ۱۶۰۰ دلار کاهش یافت. (Holand Barbosa, 54-55) جدول شماره ۱ نرخ های نجومی تورم در دولت سارنی را به تصویر کشیده است.

جدول شماره (۱): نرخ تورم در برزیل در دولت سارنی (۱۹۸۵-۱۹۹۰)

سال	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰
درصد نرخ تورم	۲۲۶	۱۴۷	۲۲۸	۶۲۹	۱۴۳۰	۲۷۵۱

Source: <http://www.sjsu.edu/faculty/watkins/brazilinfl.htm>

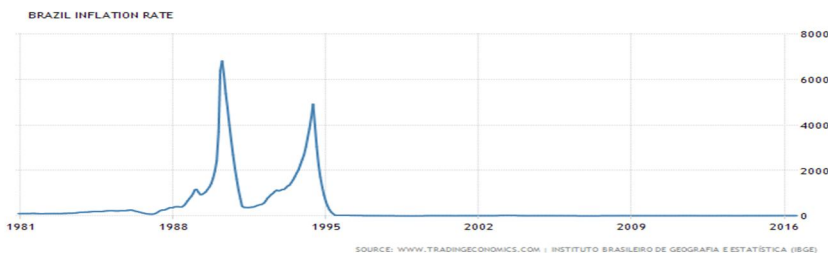
استمرار و تعمیق نولیبرالیسم در دولت «فرناندو کویویر دمیو» (۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲م)

فرناندو کویویر دمیو به عنوان سی و دومین رئیس جمهور برزیل از مارس ۱۹۹۰ تا دسامبر ۱۹۹۲ از حزب سوسیال دموکرات برزیل (PSDB) قدرت را به دست گرفت. دمیو نخستین رئیس

۱- در سال ۱۹۹۰ تقریباً بانک مرکزی برزیل نرخ بهره در این کشور را هر روز بین ۱ تا ۲ درصد افزایش می داد به طوری که این مقدار در مارس ۱۹۹۰ تا ۱۶۷ درصد در ماه افزایش یافت و نرخ بهره سالیانه هم از ۱۰۰۰ درصد نیز فراتر می رفت. برای مطالعه بیشتر رک به: www.globalfinancialdata.com/gfdblog/?p=19

جمهوری بود که پس از پایان دولت نظامی از طریق آرای مستقیم مردم انتخاب می شد. او که در برابر لولا داسیلوا نامزد حزب کارگر به پیروزی رسید، استمرار و تعمیق سیاست های نولیبرال در اقتصاد را تنها راه نجات اقتصادی برزیل می دانست. (Jaime Ortega, 2011, 29) مهمترین اولویت های او در راستای اجرای سیاستهای نولیبرال مبارزه با تورم نجومی در برزیل، اجرای برنامه های خصوصی سازی و کوچک سازی دولت بود. در این زمان کسری شدید بودجه، کاهش مداوم ارزش پول ملی و تورم بی سابقه که با هیچ کشور دیگر در آمریکای لاتین قابل مقایسه نبود از مهمترین معضلات اقتصادی برزیل به شمار می رفتند. او به منظور مبارزه با بحران تورمی یک برنامه اقتصادی موسوم به «برنامه کویور»^۱ را به مورد اجرا گذاشت که بر اساس آن از طریق یک سیاست انقباضی پولی، سپرده های عظیم بانکی به «اوراق قرضه غیر قابل نقد دولتی»^۲ تبدیل می شد. بر اساس این برنامه تمام حسابهای بالای در حدود ۵۰۰ دلار برای چند هفته مسدود و نرخ های بهره نجومی به حدود صفر می رسید. در اثر اجرای این برنامه که آمیزه ای از سیاست های مالی و پولی بود، نرخ تورم از حدود سه هزار درصد در سال ۹۰ به ۴۰۰ درصد در سال ۹۱ رسید، اما مجدداً در سال ۹۲ به ۱۰۰۰ درصد افزایش یافت و در سال ۹۴ نیز مجدداً به رقم ۲۳۰۰ درصد رسید. (Vicente, Juan, 60-61)

نمودار شماره (۱): نرخ تورم در برزیل در دهه ۸۰ و ۹۰ قرن بیستم



Source: <http://repository.cmu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1897&context=tepper>

نمودار ا-ب نرخ های نجومی تورم در برزیل را اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ قرن بیستم را به خوبی به تصویر کشیده است. بر این اساس برزیل برای روزهایی در پایان دهه ۸۰ قرن بیستم نرخ

۱ - Collor Plan

۲ - Non-Cashable Government Bonds

تورم بالای ۴۰۰۰ درصد را نیز تجربه نمود.

در دوران تصدی دمیو نوعی انقلاب پولی، مالی و تجاری در برزیل رخ داد که جوهره آن را سیاست های اقتصادی نولیبرال تشکیل می دادند. خصوصی سازی بی سابقه، سرمایه گذاری خارجی، گشایش های تجاری، توسعه صنعتی مدرن و کاستن از هزینه های دولتی اساس این برنامه ها بود. دولت دمیو با مشکلات فراوانی توانست در جهت اجرای سیاست های نولیبرال ۱۵ شرکت عمده دولتی را خصوصی سازی نماید. با این حال رشد اقتصادی برزیل در دولت دو ساله دمیو منفی بود و حتی به منفی ۳ درصد نیز کاهش یافت. در نتیجه این امر سرانه تولید ناخالص داخلی در برزیل به ۲۵۰۰ دلار کاهش یافت. وضعیت برزیل در نخستین فهرست توسعه انسانی (HDI) منتشره در سال ۹۱ وضعیت خوبی نبود به طوری که در سال ۹۲ ضریب جینی در برزیل در بالاترین حد خود به رقم ۶۲ واحد رسید که جایگاه نامناسبی را برای برزیل رقم می زد. با این حال در سال ۹۱ برای نخستین بار میزان سرمایه گذاری خارجی در برزیل از مرز ۱ میلیارد دلار فراتر رفت که دستاورد بزرگی برای این کشور بود. (Carreras,

Albert, Hofman, and Andre, Tafunell Xavier, 2011, 124-126)

دولت دمیو اما به رغم همه تلاش های خود فرجام خوبی نداشت و نهایتاً آمیزه ای از بحرانهای سیاسی و از جمله افشای چندین پرونده اختلاس به همراه تورم غیر قابل کنترل، در مجموع شرایطی را رقم زد که نتیجه آن سقوط دولت وی بود.^۱ در مجموع دولت وی یکی از نولیبرال ترین دولتهای برزیل در عصر سلطه سیاست های نولیبرالی بود که به دلیل درگیر شدن در تغییرات ساختاری سریع به سوی اقتصاد بازار محور توفیقات چندانی نیافت.

دولت «ایتامار آگوستو فرانکو» (۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵م)

- با کناره گیری دمیو از قدرت به دلیل اتهامات وارده، معاون اول وی ایتامار آگوستو فرانکو^۲ از

۱- موضوع اختلاس های دولتی در برزیل همواره چالشی بی بدیل برای سیاستمداران این کشور بوده است. با این حال در دوران ریاست جمهوری دمیو با توجه به تجربه یک فضای سیاسی دموکراتیک تر نسبت به گذشته، نخستین چالش میان پارلمان و دولت در خصوص اتهامات اختلاس در دستگاه های اجرایی برزیل رقم خورد که در نتیجه آن طی یک فرآیند ۸ ماهه دمیو استیضاح و از قدرت خلع گردید. برای مطالعه بیشتر رک به:

Fernandes Da Silva, Marcos, The politica Economy of Corrupcion in Brazil, University of London, 1999

۲- در زمان ریاست جمهوری فرانکو در آوریل ۱۹۹۳ برزیل تصمیم تاریخی خود برای برگزاری یک رفراندوم در مورد نوع

حزب لیبرال برزیل PL در اکتبر ۱۹۹۲ به عنوان کفیل ریاست جمهوری عهده دار این مقام گردید و تا اول ژانویه ۱۹۹۵ در این مقام قرار داشت.^۱ او در میانه یک بحران عظیم اقتصادی و سیاسی قدرت را در برزیل به دست گرفت، به طوری که برزیل همچنان گرفتار تورم نجومی بود. فرانکو برای مبارزه با بحران تورمی «فرناندو انریکه کاردوسو» از چهره های بسیار برجسته دانشگاهی در زمینه اقتصاد بین المللی را به عنوان وزیر دارایی خود معرفی نمود که در دور بعد به مقام ریاست جمهوری رسید. کاردوسو برنامه های اقتصادی موفق را به اجرا گذاشت و توانست بحران تورم در کشور را تا حدود زیادی از طریق اقدامات اطمینان بخش اقتصادی خود موسوم به «برنامه واقعی»^۲ مهار کند. در دوران وزارت او برزیل با تغییر واحد پول خود به ریال و «اجرای برنامه برابری دلار در برابر ریال»^۳ (که طی آن ارزش هر ریال معادل ۱ دلار تعیین گردید) و همچنین تثبیت نرخ بهره در سال در حدود ۳۰ درصد، توانست تورم را به نرخ ۴۳ درصد در سال ۹۴ و دو درصد در سال ۹۵ کاهش دهد (Vicente, Juan, 69-73) که بیشتر به یک معجزه اقتصادی شباهت داشت.

در مجموع کارنامه اقتصادی فرانکو از دو رئیس جمهور گذشته بسیار قابل قبول تر بود به طوری که فقط در طول سه سال ریاست جمهوری او تولید ناخالص داخلی برزیل به حدود دو برابر افزایش یافت و برزیل از یک بحران حاد اقتصادی خارج شد. در دولت وی شاخص درآمد

نظام سیاسی کشور که آیا جمهوری باشد و یا سلطنتی و اگر جمهوری باشد نظام ریاستی یا پارلمانی باشد را عملی ساخت که در نتیجه آن نظام جمهوری ریاستی با کسب ۳۱ درصد آرا در مقابل نظام پادشاهی با ۱۳ درصد آرا به عنوان نظام سیاسی مطلوب و مقبول، از سوی مردم این کشور برگزیده شد.

۱- او که از سناتورهای کهنه کار و با سابقه برزیلی بود نقش مهمی در فراندوم برگزاری انتخابات ریاست جمهوری به صورت مستقیم در سال ۱۹۹۳ داشت. فرانکو به رغم آن که یک لیبرال و معاون دمیو بود با او اختلافات زیادی داشت و از جمله با برخی از برنامه های دمیو نظیر خصوصی سازی گسترده به هر قیمت ممکن، به شدت مخالف بود. فرانکو تا پیش از استیضاح دیلما روسف و به قدرت رسیدن میشل تمر در سال ۲۰۱۶، تنها رئیس جمهوری بود که از طریق رای غیر مستقیم مردم این مقام را در اختیار خود داشت. او از مبتکرین بازار مرکوسور و از طرفداران همگرایی اقتصادی در آمریکای لاتین و توسعه تجارت آزاد در این قاره بود برای مطالعه بیشتر رک به:

Lora, Eduardo & Payne, Mark, & Stein Ernesto, La Política de las políticas Públicas, Progreso economic y Social en America Latina, Banco Interamericano de Desarrollo, Informe 2012.

۲- Plano Real

۳- BRL_USD Convertibility

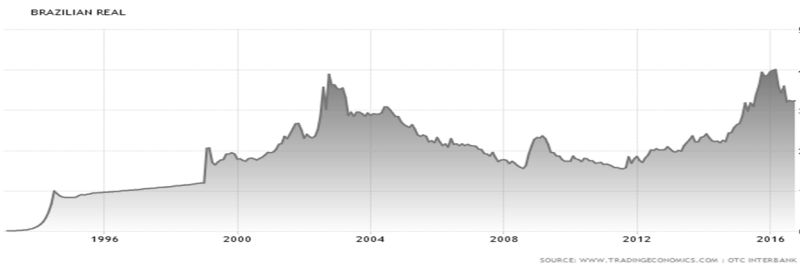
سرانه تولید ناخالص داخلی از ۲۵۰۰ به حدود ۴۷۰۰ دلار رسید و شاخص ضریب جینی هم از ۵۸ واحد به ۵۶ واحد کاهش یافت. همچنین شاخص توسعه انسانی برزیل نیز از ۰/۶۲۰ به ۰/۶۵۵ افزایش یافت. (Gustavo Rojas, 2012, 45-46)

سیاست های محض نولیبرالی توسعه در دولت «فرناندو انریکه کاردوسو» (۱۹۹۵-۲۰۰۳)

انریکه کاردوسو وزیر دارایی فرانکو و رئیس حزب سوسیال دموکرات برزیل در انتخابات سال ۹۴ با کسب ۵۴ درصد آرا در دور اول به پیروزی رسید که حدود دو برابر آرای رقیب خود لولوا داسیلوا از حزب کارگر بود.^۱ در دوران ریاست جمهوری ۸ ساله کاردوسو، پیشرفت های اقتصادی و سیاسی قابل ملاحظه ای در برزیل رخ داد. او که خود از بنیانگذاران میانه رو تر نظریه وابستگی ساختارگرایی دهه ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم بود در دهه ۹۰ آن قرن با چرخشی آشکار در نظریات خود، سیاست آزاد سازی اقتصادی نولیبرال را یگانه راه برون رفت از ناکامی های اقتصادی در برزیل معرفی می نمود. او به سرعت کار خصوصی سازی شرکت های دولتی را که پیش از او دمیو آن را آغاز و در دوره فرانکو با وقفه ای روبرو شده بود، مجدداً عملیاتی نمود، به طوری که در نخستین دور ریاست جمهوری وی بزرگترین برنامه «غیر ملی سازی»^۲ شرکتهای بزرگ دولتی به اجرا درآمد. (www.slideshare.net) اگر چه تورم در برزیل به طور کامل خنثی گردید اما از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۳ بدهی بخش عمومی از ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی به ۵۵ درصد افزایش یافت و ارزش ریال برزیل بیش از ۱۰۰ درصد کاهش یافت. سیاست کاهش ارزش پولی بر خلاف انتظار سبب رشد اقتصادی خوبی در برزیل نشد و حتی رشد اقتصادی در سال ۲۰۰۲ به منفی دو درصد تنزل یافت که در نتیجه آن نرخ بیکاری نیز تا بیش از ۱۲ درصد افزایش یافت. <https://knoema.com>

۱- کاردوسو به عنوان یک جامعه شناس و استاد دانشگاه نخستین رئیس جمهور برزیل بود که یک دوره ۸ ساله را در مقام ریاست جمهوری در دوران پس از حکومت نظامیان در برزیل سپری نمود. او از اساتید برجسته علوم سیاسی و جامعه شناسی و از واضعان مکتب وابستگی در دهه ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم و یک چهره آکادمیکی کاملاً شناخته شده و محترم بود. او از سال ۹۱ به مقام رهبری حزب پی اس دی پی برگزیده شد و در سال ۹۸ نیز برای بار دوم و با کسب ۵۳ درصد آرا دوباره در برابر داسیلوا رقیب خود از حزب کارگر پیروز شد.

نمودار شماره (۲): روند تحول در ارزش ریال برزیل در دو دهه اخیر



Source: <http://www.tradingeconomics.com/brazil/currency>

نمودار شماره ۲ روند به شدت کاهشی ارزش پول برزیل در برابر دلار را که در دوره دوم ریاست جمهوری فرانکو به بیش از ۳۰۰ درصد نیز رسید نشان می دهد. در مجموع بر خلاف انتظار عمومی سیاست های اقتصادی کاردوسو موفقیت آمیز نبود. حتی درآمد سرانه برزیلی ها که در سال ۹۵ در حدود ۴۷۰۰ دلار بود و تا سال ۹۷ به ۵۲۰۰ دلار افزایش یافته بود مجدداً در پایان دوره ۸ ساله وی به سطح ۳۱۰۰ دلار تنزل یافت که حاکی از بازگشت آن به مقادیر خود در دوره دمیو داشت. (Vicente, Juan76) بخش صادراتی برزیل نیز در دوره کاردوسو به رغم افزایش کمی اما با کسری بیشتری حتی نسبت به دهه ۸۰ قرن بیستم روبرو شد به طوری که در حالی که صادرات برزیل در سال ۱۹۸۵ به حدود ۲۵ میلیارد دلار و واردات آن به ۱۳ میلیارد دلار بالغ می گردید و این کشور از یک موازنه مثبت ۱۲ میلیارد دلاری تجاری برخوردار بود، در سال ۱۹۹۹ و در اوج اجرای سیاست های نولیبرالی این کشور یک میلیارد دلار کسری تجاری داشت (۴۸ میلیارد دلار صادرات در برابر ۴۹ میلیارد دلار واردات)، هر چند دینامیزم های تجارت خارجی برزیل در دوره کاردوسو بسیار فعال شد. (Gustavo Rojas, 66) با این حال در دوران کاردوسو موفقیت های بین المللی قابل ملاحظه ای هم نصیب برزیل گردید به طوری که در سال ۹۸ برزیل موفق به دریافت وام ۴۰ میلیارد دلاری از صندوق بین المللی پول در ازای تشدید سیاستهای اقتصادی نولیبرال و انضباط مالی بیشتر گردید و این کشور توانست از سال ۹۵ تا ۲۰۰۰ میزان سرمایه گذاری خارجی را از ۴ میلیارد دلار به ۳۲ میلیارد دلار افزایش دهد. میزان سرمایه گذاری خارجی در سال ۹۸ و ۹۹ به طور پیاپی به رقمی بیش از ۳۰ میلیارد دلار رسید که موفقیت بی همتایی در کارنامه اقتصادی کاردوسو بود. علاوه بر آن ذخایر ارزی کشور در سال ۹۹ به حدود ۴۰ میلیارد دلار افزایش یافت

(Sanchez, Omar, 2003, 156-157) که این رقم تا آن زمان بی سابقه بود.

در مجموع مهمترین و برجسته ترین دستاورد اقتصادی کاردوسو کاهش نرخ تورم به زیر ۵ درصد بود. او همچنین توانست در طول دهه ۹۰ قرن بیستم نرخ بهره را از حدود ۷۰ درصد به زیر ۲۵ درصد کاهش دهد که به منزله اجرای یک سیاست کاملاً موفق پولی بود (Vicente Juan, 85). بخش مهمی از برنامه های کاردوسو در زمینه مسایل اجتماعی بر توسعه آموزش عمومی متمرکز بود که موفق ترین سیاست های اجرا شده توسط او بود.

به طور کلی سیاست های اقتصادی کاردوسو را باید در قالب هزینه های ناشی از اجرای انقباضی سیاست های نولیبرال در برزیل ارزیابی نمود که در نتیجه آن این کشور به نوعی دچار ریاضت اقتصادی شدید گردید و به همین دلیل هم او بخش قابل توجهی از محبوبیت خود را در اثر این اقدامات از دست داد. با این حال کاردوسو نقش مهمی در بستر سازی لازم برای جهش های آتی اقتصادی در برزیل در دوران آغاز هزاره سوم داشت و برزیل در دوران کاردوسو با برنامه ریزی های لازم و گام نهادن در مسیر تعمیق دموکراسی به قدرتی موثر در سیاست و اقتصاد منطقه ای و بین المللی تبدیل شد. از این منظر می توان تاثیر گذاری کاردوسو را حتی با لولا مقایسه نمود با این حال کاردوسو هرگز از محبوبیت و اقبال بالای مردم به لولا برخوردار نگردید.

دولت «لولا داسیلوا» (۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱)

پس از آن که لولا داسیلوا برای چهار بار پیاپی در انتخابات ریاست جمهوری و به عنوان نامزد حزب کارگر شرکت نمود، توانست در انتخابات سال ۲۰۰۳ به پیروزی دست یابد. لولا که از بنیانگذاران حزب کارگر برزیل PT بود و از سال ۱۹۸۹ به عنوان رهبر حزب کارگر در تمام رقابتهای انتخابات ریاست جمهوری برزیل شرکت نموده بود، در این انتخابات توانست بر نامزد حزب پی اس دی بی پیروز شود. پیروزی لولا را باید در نتیجه سرخوردگی عمومی از اجرای سیاست های به غایت نولیبرال در برزیل و توسعه نابرابری های اجتماعی و درآمدی و از جمله به روی کار آمدن سایر دولتهای نو چپگرا در منطقه نظیر ونزوئلا نیز دانست. لولا از اول ژانویه سال ۲۰۰۳ به عنوان رئیس جمهور برزیل قدرت را در دست گرفت و تا اول ژانویه ۲۰۱۱ رئیس

جمهور برزیل بود. دوران ریاست جمهوری لولا به دلیل تأثیر گذاری ویژه شخصیت سیاسی او بر سیاست و اقتصاد برزیل، به دوران «لولایسم»^۱ در ادبیات سیاسی این کشور اشتهار یافته است. (Lora, Eduardo & Payne, Mark, & Stein Ernesto, 2012, 131-133) او یکی از محبوبترین سیاستمداران تاریخ برزیل و یکی از نامورترین سیاستمداران این کشور در سطح جهانی بود.^۲ لولا نخستین رئیس جمهوری بود که صراحتاً برنامه های اقتصادی خود را متمرکز بر مبارزه با مساله حاد نابرابری های درآمدی در جامعه برزیل نمود. او به دلیل خاستگاه حزبی خود و عدالت محوری حزب کارگر، اساس برنامه های اقتصادی خود را در راستای اجرای برنامه های اجتماعی ویژه با هدف فقر زدایی بنا نهاد. برنامه ریشه کنی فقر تحت عنوان «گرسنگی صفر»^۳ و «سبد خانوار» از مهمترین برنامه های اجتماعی دولت وی بوده اند. برنامه سبد خانوار او در واقع ادامه ابتکار دولت کاردوسو مبنی بر اعطای یارانه های آموزشی خانوار^۴ بود که نوعی یارانه انرژی^۵ و سبد غذایی خانوار^۶ نیز در دوره لولا به آن افزوده گردید. او برای اجرای این برنامه ها نیز یک وزارتخانه مستقل تحت عنوان «وزارت توسعه اجتماعی و ریشه کنی فقر» ایجاد نمود و یک الگوی اقتصادی حمایتگر یارانه به نفع طبقات کارگری و توده های فقیر را به اجرا گذاشت. (Tapajos, Maria, 2009, 89-90) برنامه سبد خانوار او توفیقات بسیار خوبی در پی داشت و از جمله لولا توانست ضریب شاخص جینی را در طول دوره ۸ ساله ریاست جمهوری خود از ۶۰ واحد به ۵۴ واحد کاهش دهد (Cristina, Mariana, 54) که به منزله انقلابی اجتماعی در توزیع عادلانه تر ثروت برزیل بود. نمودار ۳-ب ضریب شاخص جینی در سالهای اخیر و میزان کار انجام شده برای کاستن از فاصله طبقاتی را با اتکا به یارانه های دولتی به خوبی به تصویر می کشد.

۱- Lollalism

۲- او در سال ۲۰۰۹ از سوی روزنامه الپائیس و مجله لوموند به عنوان مرد سال معرفی شد و در سال ۲۰۱۰ از سوی مجله تایم به عنوان یکی از ۱۰۰ چهره اثر گذار در سطح جهانی شناخته شد. لولا در تدوین قانون اساسی جدید این کشور در سال ۸۹ و بازنگری آن در سال ۹۳ نیز نقشی فعال و کاملاً تأثیر گذار ایفا نموده بود.

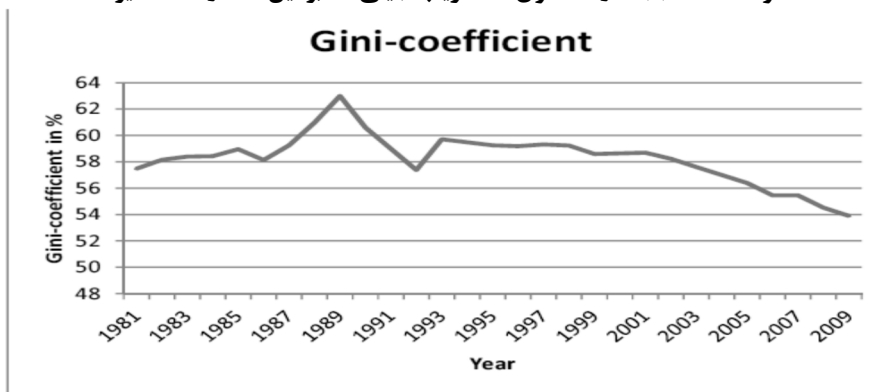
۳- Zero Hunger

۴- Bolsa Escola

۵- Auxílio Gás

۶- Bolsa Alimentação

نمودار شماره (۳): روند تحول در ضریب جینی در برزیل در دو دهه اخیر



Source: <http://data.worldbank.org/indicator/SI.POV.GINI>

اگرچه لولا به عنوان بنیانگذار حزب کارگر برزیل به وضوح تمایلات و دیدگاههای چپگرایانه داشت، با این حال او پس از رسیدن به مقام ریاست جمهوری و به ویژه در دور دوم ریاست جمهوری خود، نسخه بسیار اصلاح طلبانه تر و سازگارتری با سیاست های نولیبرالی را به کار بست که در برزیل به عنوان یک الگوی بومی و محلی تر توسعه اقتصادی و در اقتصاد توسعه بیشتر به عنوان یک الگوی نومرکانتیلیستی قابل تحلیل است. <http://repositorio.cepal.org>

در کنار برنامه های اجتماعی عدالت محور، برنامه اصلی لولا برای اقتصاد این کشور، رشد سریع اقتصادی با اتکا به سیاست های جانب تقاضا و از جمله اجرای پروژه های بزرگ عمرانی توسط بخش خصوصی و با هدف ایجاد اشتغال بود. نوسازی ناوگان هوایی، ریلی و جاده ای در کنار کاهش مالیاتها و نوسازی بخش انرژی کشور از جمله مهمترین اقدامات او در چارچوب این برنامه بود. (Tapajos, Maria, 91-93)

۱- لولا در سال ۲۰۰۶ توانست با کسب ۶۰ درصد آرا در برابر نامزد رقیب از حزب PSDB که موفق به کسب ۳۹ درصد آرا گردید، به پیروزی دست یافته و برنامه های خود را با قدرت بیشتری ادامه دهد.

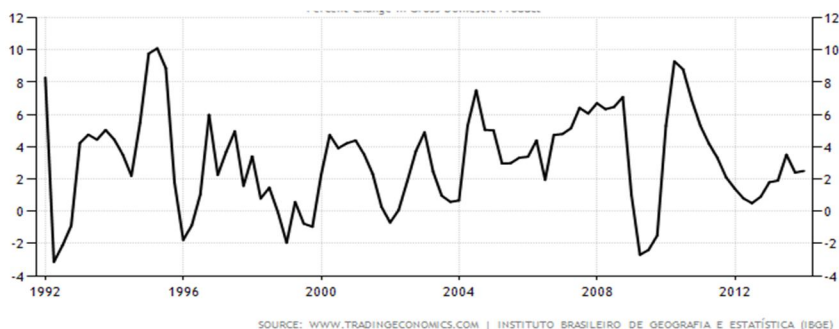
جدول شماره (۲): مقادیر تولید ناخالص داخلی در سالهای منتخب (به میلیارد دلار)

سال	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	ارزش GDP
	۳۸۱	۸۱۳۵	۰۶۳۵	۳۸۸۵	۸۸۱۵	۰۱۰۹	۴۵۵۱	۶۳۷۱	۵۵۶۱	۶۴۵۱	۵۶۳۱	۳۸۱

Source: https://en.wikipedia.org/wiki/Economy_of_Brazil

بدون تردید یک خیزش اصلی برزیل در توسعه اقتصادی و سیاسی در دوره لولا داسیلوا صورت گرفت. به عنوان نمونه فقط سرانه تولید ناخالص داخلی برزیل در دوران ۸ ساله ریاست جمهوری وی ۴ برابر رشد یافت و از ۳۱۰۰ دلار در ابتدای کار لولا به ۷۲۰۰ دلار در سال ۲۰۰۷ و تا ۲۰۱۱ به ۱۲۵۰۰ دلار و در پایان دور دوم ریاست جمهوری او رسید. علاوه بر آن در دوره لولا برای نخستین بار پس از سالها کاهش ارزش پول ملی این کشور، ارزش ریال برزیل تقویت شد به گونه ای که از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ ارزش ریال برزیل در برابر دلار آمریکا حدود ۱۰۰ درصد تقویت گردید. (Gustavo Rojas, 72-73) جدول شماره ۲ به خوبی رشد بیش از دو برابری تولید ناخالص داخلی برزیل ظرف حدود یک دهه اخیر را به تصویر می کشد. نمودار شماره ۴ نیز فراز و فرودهای رشد اقتصادی برزیل در دهه ۹۰ و سالهای نخست هزاره سوم را به خوبی نشان می دهد. این نمودار همچنین امکان مقایسه میان عملکرد دولت های کاردوسو و لولا را فراهم می کند. بر این اساس در سالهای ریاست جمهوری کاردوسو رشد اقتصادی سیری قهقراپی را طی می نمود و حال آن که در دوره لولا داسیلوا رشد اقتصادی آهنگ بسیار خوبی به خود گرفت. به این ترتیب که متوسط رشد اقتصادی برزیل در ۴ سال نخست ریاست جمهوری لولا به حدود ۳/۶ درصد رسید و در دوره دوم، متوسط رشد اقتصادی کشور به ۴/۶ رسید و حتی در سال انتهایی ریاست جمهوری وی، برزیل از رشد حدودا ۱۰ درصدی برخوردار گردید که یکی از بالاترین نرخ های رشد در سطح جهانی برای یک اقتصاد بزرگ در حال توسعه به شمار می رود.

نمودار شماره (۴): نرخ رشد تولید ناخالص داخلی برزیل در دو دهه ۹۰ و ابتدای هزاره سوم



Source: Nassif, Andre & Feijo Carmen & Araujo, Elliane, Is Brazil Catching up or Falling Behind? United Nations Publications, 2013, 99

این استمرار رشد اقتصادی به افزایش اشتغال، افزایش دستمزدها و سرمایه گذاری بیشتر سرمایه های خصوصی مردم در طرح های زیربنایی منجر گردید. در همین راستا ارزش بازار مالی و سرمایه برزیل در نخستین دور ریاست جمهوری لولا از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ حدود ۴ برابر افزایش یافت به طوری که در سال ۲۰۰۷ به بیش از ۹۸ درصد از معادل تولید ناخالص داخلی کشور رسید. www.theglobaleconomy.com

نمودار شماره ۵: نرخ رشد بازار سرمایه در برزیل ۲۰۰۸-۲۰۱۶



Source: <https://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/2012/wp12224.pdf>

نمودار شماره ۵ نرخ رو به رشد بازار سرمایه در برزیل را از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ و در سال های مدیریت سیاسی و اقتصادی حزب کارگر نشان می دهد. سیاست های اقتصادی لولا منجر به آن شد تا طبقه متوسط و مصرف کننده برزیل از ۳۷ درصد به

۵۰ درصد افزایش یابد. در دوران لولا بود که برزیل به هشتمین قدرت اقتصادی دنیا تبدیل شد و ۲۰ میلیون نفر از مردم این کشور به بالای خط فقر ارتقا یافتند. (Jaime Ortega, Reyna, 88) همچنین در نخستین دوره ریاست جمهوری لولا تجارت خارجی برزیل مستمرا با ارزش مازاد تجاری روبرو می گردید به طوری که این میزان از ۲۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ تا ۴۱ میلیارد دلار تا سال ۲۰۰۶ افزایش یافت. با این حال رکود اقتصاد جهانی سبب شد تا این میزان در سال ۲۰۱۱ به حدود ۲۰ میلیارد دلار کاهش یابد. www.statista.com برزیل که در دهه ۸۰ به عنوان یکی از مقروض ترین کشورهای جهان شناخته می شد، برای نخستین بار در سال ۲۰۰۸ به عنوان یک اقتصاد اعتباردهنده خارجی پا به میدان نهاد. لولا در برابر بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ نیز سیاست های اقتصادی محرکی را برگزید تا اقتصاد برزیل از عواقب آن به دور بماند.

در دوره ۸ ساله لولا نرخ سرمایه گذاری خارجی نیز افزایش قابل ملاحظه ای یافت و در حالی که در ابتدای دولت وی مقادیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در مقایسه با دولت کاردوسو تا ۱۸ میلیارد دلار کاهش یافته بود، این مقدار در سال ۲۰۱۱ به رقم ۶۶ میلیارد دلار رسید که رشدی بیش از سه برابر را نشان می داد. این مقدار در حدود ۴/۳ درصد از کل سرمایه گذاری خارجی مستقیم در جهان را در همین سال شامل می گردید. برنامه های اقتصادی لولا منجر به افزایش ذخائر ارزی و کاهش بدهی های خارجی و تقویت ثبات و رشد اقتصادی پایدار برزیل شد به طوری که در اثر این موفقیت های اقتصادی، لولادر پایان ریاست جمهوری خود در سال ۲۰۱۱ مقبولیتی ۸۷ درصدی داشت که در مقایسه با هر رئیس جمهور دو دوره ای دیگری نظیر کاردوسو بسیار بالا بود. لولا داسیلوا به رغم تاکیدات موکد خود بر نقش نظارت محور و تنظیم کننده دولت در اقتصاد، در مجموع به سیاست های خصوصی سازی آغاز شده از دهه ۹۰ و تحت الگوی نولیبرال پشت نکرد، اما او و مجموعه دولت وی تمام سعی خود را در تعدیل پیامدهای اجتماعی این تحولات به کار بستند. روی هم رفته دوران ریاست جمهوری لولا داسیلوا یکی از بهترین دوران سیاسی و اقتصادی برزیل در سالهای اخیر بوده است که فقط با دوران رشد و شکوفایی برزیل در سالهای پیش از جنگ جهانی اول قابل مقایسه است. افزایش حدود سه برابری تولید ناخالص داخلی و سرانه تولید ملی، افزایش ذخایر ارزی برزیل در حدود سه برابر و افزایش دو برابری ارزش پول برزیل برخی از این دستاوردهاست. با این وجود به دلیل گستره و

سابقه قابل ملاحظه فساد دولتی در برزیل، دولت لولا نیز از این موضوع استثنا نبود و پرونده هایی در این خصوص برای دولت وی نیز گشوده شد که با استمرار و توسعه اتهامات مرتبط با فساد سیاسی در دولت خانم روسف منجر به تضعیف جایگاه و موقعیت برتر این حزب در سیاست برزیل پس از برهه ای طولانی گردید.

برای داشتن ارزیابی بهتری از عملکرد حزب کارگر و استمرار سیاست های اقتصادی نومرکاتیلیستی در برزیل می بایستی کارنامه دولت خانم روسف را به عنوان جانشین لولا از حزب حاکم یا حزب کارگر نیز مورد ارزیابی دقیق قرار داد تا روند تکوین توسعه اقتصادی در برزیل در سال های اخیر روشن تر شود.

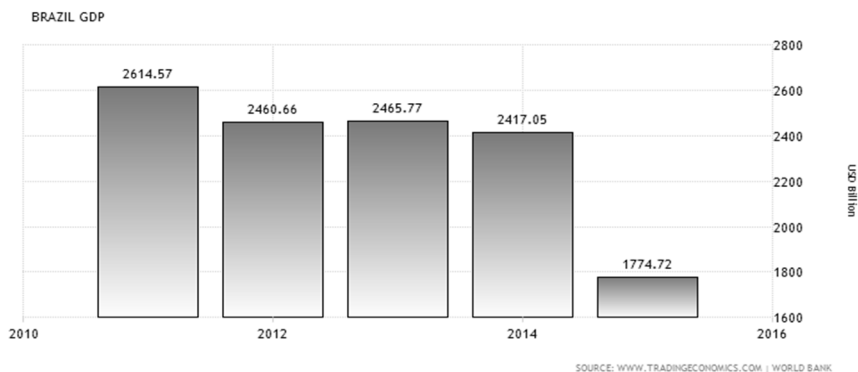
دولت «دیلمار روسف» (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶)

مقبولیت سیاستهای لولا و بهبود تدریجی اوضاع اقتصادی در دوره تصدی او سبب شد تا اقبالها به حزب کارگر و برنامه های اقتصادی این حزب ادامه یابد. لذا او میراث ارزنده ای برای هم حزبی های خود به جای گذاشت که در نتیجه آن دیلمار روسف نامزد حزب کارگر توانست در انتخابات ریاست جمهوری برزیل در سال ۲۰۱۰ در برابر خوزه سررا کاندیدای حزب مخالف PDDB و با کسب ۵۶ درصد آرا به پیروزی دست یابد. (Cordera, 2014, 48) او نخستین زن در تاریخ برزیل بوده است که توانسته به این مقام دست یابد. با این حال بخت با او یار نبود و اولین خانم رئیس جمهور اگرچه آغاز به نسبت خوبی داشت اما فرجام خوشایندی نداشت چرا که او در ۳۱ آگوست ۲۰۱۶ توسط سنای این کشور به اتهام فساد مالی از قدرت خلع ید شد.

در حالی که اقدامات تحریک بخش اقتصادی در سال ۲۰۱۱ رشد اقتصادی حدوداً ۱۰ درصدی را پس از بحران مالی جهانی برای این کشور به ارمغان آورد، اما افزایش تورم در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، دولت خانم روسف را مجبور به اتخاذ تدابیری برای کنترل بازار نمود که همزمانی این تصمیمات اقتصادی با اوضاع شکننده اقتصادی و مالی در جهان موجب کاهش مجدد رشد اقتصادی برزیل به سطح ۲/۷ درصد برای سال ۲۰۱۲ گردید. (Cordera Rolando, 50) به این ترتیب نوسانات بالا در رشد اقتصادی برزیل در بیشتر سالهای ریاست جمهوری خانم روسف مهمترین چالش دولت در مسیر توسعه اقتصادی کشور بوده است به گونه ای که در حالی که مقادیر تولید ناخالص داخلی برزیل در دوران ریاست جمهوری لولا به بیش از دو برابر

افزایش یافت، این مقادیر در دوره ۴ ساله ریاست جمهوری روسف حدود ۴۰ درصد کاهش یافت. به این ترتیب در حالی که دوران ریاست جمهوری لولا را می بایستی دوره تثبیت رشد اقتصادی دانست، دوره خانم روسف را می بایستی دوران آغاز آشفتگی دوباره اقتصادی دانست. نمودار شماره ۵ نمایانگر کاهش تدریجی تولید ناخالص داخلی در سالهای ریاست جمهوری روسف است که بیانگر عملکرد نا مطلوب دولت او در این خصوص در مقایسه با دولت لولاست.

نمودار شماره (۵): مقادیر تولید ناخالص داخلی در سالهای ریاست جمهوری روسف



Source: <http://www.tradingeconomics.com/brazil/gdp>

در پاسخ به کاهش رشد اقتصادی دولت خانم روسف سعی نموده تا با اتخاذ تدابیری از جمله کاهش تدریجی نرخ بهره از ۱۲ درصد به ۷/۵ درصد طی سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ و کاهش تدریجی ارزش پول این کشور تا بیش از ۵۰ درصد، شرایط لازم برای توسعه بخش صادراتی خود را مجددا فراهم نماید. (Nassif, Andre & Feijo Carmen, 2013, 73) با این حال او در این زمینه نیز توفیقی نداشت به طوری که تراز تجاری برزیل طی سالهای ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ منفی شد و حتی به رقم منفی ۱۴ میلیارد دلار نیز کاهش یافت. www.statista.com

نمودار شماره (۶): مقادیر نرخ بهره در برزیل در سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶



Source: <http://www.indexmundi.com/facts/brazil/interest-rate-spread>

نمودار شماره ۶: توازن تجاری برزیل



Source: <http://www.tradingeconomics.com/brazil/balance-of-trade>

نگاهی به برخی از نمایه های کلان اقتصادی برزیل در سال ۲۰۱۵ که در نتیجه حاکمیت ۱۳ ساله حزب کارگر در این کشور کسب شده است، امکان داوری میان سیاستهای رقیب در توسعه اقتصادی برزیل را بهتر فراهم می کند.

جدول شماره (۴): برخی از مهمترین شاخصه های اقتصادی برزیل در سال ۲۰۱۵

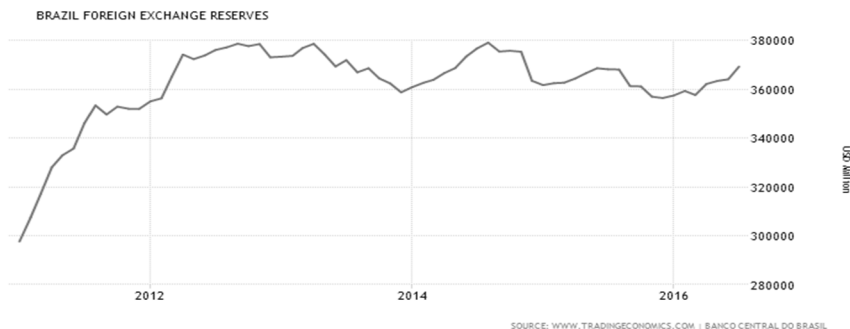
شاخص	GDPنومینال	GDP قدرت خرید	سراانه نومینال	سراانه قدرت خرید	صادرات	واردات	درصد مردم زیر فقر
مقادیر	۱۹۰۰ میلیارد دلار	۳۲۶۰ میلیارد دلار	۹۳۰۰	۱۶۱۰۰	۱۹۱	۱۷۱	۰/۱۵
جایگاه جهانی	۱۷	۷	۷	۷۴	۲۵	۲۴	-

Source: <http://www.worldbank.org/en/country/brazil>

اقتصاد برزیل در سالهای اخیر به یک اقتصاد کاملاً خدمات محور تبدیل شده است به طوری که در سال ۲۰۱۳ فقط ۵/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی به بخش کشاورزی اختصاص داشته است و حال آن که سهم صنعت ۲۶/۵ درصد و سهم خدمات ۶۸ درصد بوده است که بالاترین نرخ در میان سایر اقتصاد های منطقه است.

(Cordera, Rolando, 52-53) در طول سالهای حاکمیت حزب کارگر از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ سیاستهای نومرکانتیلیستی این حزب توانست حدود ۲۹ میلیون نفر از مردم برزیل را از خط فقر خارج نماید و سبب کاهش ضریب جینی در همین مدت از ۵۸ واحد به ۵۴ واحد گردد که اگر چه هنوز هم در سطح منطقه رقم قابل توجهی است با این حال حاکی از عملکرد فوق العاده این حزب در کاستن از آمار فقرا دارد. از سوی دیگر نرخ تورم در برزیل در طول سالهای حاکمیت حزب کارگر همواره تک رقمی و کمتر از ۱۰ درصد بوده است که حاکی از موفقیت سیاست های پولی در این کشور می باشد، با این حال این نرخ در سال ۲۰۱۵ مجدداً تا حدود ۱۰ درصد افزایش داشته است که نشانگر عملکرد ضعیف تر دولت روسف در مقایسه با دولت لولا در این ارتباط می باشد. نمودار شماره ۷ ب میزان رو به رشد تجارت خارجی برزیل را در سالهای منتخب در طول ۱۰ سال اخیر به تصویر کشیده و نمودار شماره ۸ نیز میزان ذخایر ارزی رو به افزایش برزیل در سالهای اخیر را نشان می دهد که در سال ۲۰۱۶ به حدود ۳۷۰ میلیارد دلار رسیده است. این نمودار نمایانگر کارنامه قابل قبول خانم روسف در افزایش ۳۰ درصدی ذخایر ارزی کشور می باشد.

نموار شماره (۷): میزان ذخایر ارزی برزیل



Source: <http://www.tradingeconomics.com/brazil/foreign-exchange-reserves>

جدول شماره ۶: شاخص توسعه انسانی در برزیل از سال ۱۹۸۰ تا کنون

سال	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۰۸	۲۰۱۱	۲۰۱۳	۲۰۱۴
شاخص HDI	۰/۵۴۵	۰/۶۱۲	۰/۶۸۲	۰/۷۰۵	۰/۷۳۱	۰/۷۴۰	۰/۷۴۴	۰/۷۵۵
رتبه جهانی	۶۶	۷۶	۶۶	۷۷	۷۰	۷۷	۷۹	۷۵

Source: <http://countryeconomy.com/hdi/brazil>

در جدول شماره ۶ امکان مقایسه ای تطبیقی در ارتباط با شاخص بسیار مهم توسعه انسانی در طول بیش از سه دهه از تاریخ توسعه در برزیل فراهم شده است که بر اساس آن در سال ۲۰۱۴ برزیل بالاترین رکورد تاریخی خود را در این نمایه به ثبت رسانده است.

پس از پیروزی ۵۲ درصدی روسف در انتخابات سال ۲۰۱۴ در برابر نامزد PSDB که نشانه اقبال کمتر به وی در مقایسه با دوره اول ریاست جمهوری وی بود، به سرعت ریاست جمهوری او تحت تاثیر دو بحران حاد سیاسی مرتبط با ارتشا و سو استفاده مالی در حزب کارگر قرار گرفت که در نتیجه آن پای لولا نیز به این رسوایی ها باز شد.^۱ در نهایت با توجه به رسوایی های

۱- روسف مشخصاً متهم شده است با تخطی از قانون بودجه، هزینه‌های دولتی را در راستای فعالیت های تبلیغاتی خود افزایش داده و آمار دولتی را دستکاری کرده است، علاوه بر اتهام دست بردن دولت روسف در حساب های دولتی، بخش دیگری از اتهامات وارده به روسف و سلف او لولا رسوایی مربوط به شرکت نفتی پتروبراس یا رسوایی پتروبراس Petrobras scandal است. سابقه پرونده پتروبراس به حدود سال ۲۰۱۴ باز می‌گردد که اعلام شد شماری از مقامات دولتی و سیاستمداران برزیلی و از جمله لولا و روسف، در ارتباط با دریافت رشوه از شرکت پتروبراس بین سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ تحت پیگرد قرار گرفته‌اند.

مذکور و اکثریت حزب مخالف در کنگره بالفور روند آغاز استیضاح روسف از سوی کنگره این کشور در دستور کار قرار گرفت که در نتیجه آن وی از مقام ریاست جمهوری عزل گردید.^۱ با برکناری روسف، به ۱۳ سال حکومت چپگراها در برزیل پایان داده شد و میشل تمر^۲ به عنوان سی و هفتمین رئیس جمهور برزیل از حزب پی اس دی بی قدرت را در دست گرفت. سقوط حزب کارگر و پایان غم انگیز دولت خانم رئیس جمهور بار دیگر نوسانات و آشفتگی های سیاسی و اقتصادی در برزیل را آشکار و چالشی دوباره بر سر راه راهبرد مناسب برای توسعه اقتصادی کشور ایجاد نموده است. چالشهای ناشی از فساد سیاسی که در ساخت دولت و بوروکراسی عریض و طویل دولت برزیل رخنه نموده است، همچنان بزرگترین تهدید داخلی برای شکوفایی اقتصادی بیشتر این کشور به شمار می رود. لولا داسیلوا وعده داده است که با عبور از چالشهای سیاسی ایجاد شده توسط حزب رقیب و با استفاده از همه ظرفیت های شخصی، حزبی و ملی خود درصدد است مجدداً خود را برای سال ۲۰۱۹ نامزد حزب کارگر در انتخابات برزیل نماید که با توجه به اقبال عمومی به شخصیت وی و کارنامه بسیار قابل قبول او در توسعه اقتصادی برزیل در دوران ۸ ساله ریاست جمهوری وی امکان پیروزی مجدد او دور از ذهن نیست. در هر حال با توجه به قوت توسعه سیاسی در برزیل در سال های اخیر و حرکت رو به رشد اقتصاد این کشور از این پس جدال های سیاسی و مبارزات حزبی در این کشور بیشتر در خصوص آهنگ رشد و توسعه و سیاست های اجتماعی مرتبط با آن خواهد بود و نه مسایل یا چالشهای نظری کلان مرتبط با چگونگی اتخاذ راهبردهای توسعه اقتصادی.

آنها متهم هستند که بین سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ در ازای لابی برای برخی شرکتهای برزیلی جهت برنده شدن در مناقصات خارجی مبالغی در حدود ۲۳۰ میلیون دلار را دریافت نموده اند که آنها این اتهامات را از اساس رد نموده اند. برای مطالعه بیشتر رک به:

<https://magnet.xataka.com/en-diez-minutos/que-esta-pasando-en-brasil-y-por-que-podria-acabar-con-la-presidencia-de-dilma-rousseff>

۱- در پی این اقدام مجلس عوام، مجلس سنا نیز در تاریخ ۱۲ می ۲۰۱۶ روند استیضاح خانم روسف را آغاز نمود و نهایتاً با رای مجلس سنای برزیل در تاریخ ۳۱ آگوست ۲۰۱۶ دیلما روسف رئیس جمهوری این کشور از پست ریاست جمهوری خلع شد. سناتورهای برزیل با ۶۰ رای موافق در برابر ۲۰ رای مخالف، رای به برکناری روسف دادند. برای مطالعه بیشتر رک به:

<https://magnet.xataka.com/en-diez-minutos/que-esta-pasando-en-brasil-y-por-que-podria-acabar-con-la-presidencia-de-dilma-rousseff>

۲- Michel Temer

جمع بندی

بررسی تطبیقی سیاست های توسعه اقتصادی بازار محور نولیبرالی و نظارت محور نومرکانتیلیستی مبین تفاوت ماهوی و ذاتی میان این دو سیاست توسعه اقتصادی نیست، بلکه تفاوت های این دو راهبرد توسعه را بیشتر بایستی در مسایل و موضوعات کارکردی اقتصاد و به ویژه نحوه معیشت توده های مردم و نیز حدود و ثغور مداخلات دولتی در اقتصاد جست. بررسی روندهای توسعه اقتصادی در برزیل در سه دهه اخیر می تواند به عنوان یکی از بهترین نمونه ها برای ارزیابی اقتصادهای بزرگ در حال توسعه مد نظر قرار گیرد. مطالعه فرآیند توسعه اقتصادی در برزیل به منزله درک جایگاه و میزان تاثیر پذیری توامان دینامیزمها، محرکه ها و متغیرهای داخلی و بین المللی توسعه اقتصادی از یکدیگر در طول سه دهه اخیر است. سیاست های نولیبرالی توسعه در برزیل ساختار راهبرد توسعه اقتصادی در این کشور را از اواسط دهه ۸۰ قرن بیستم به کلی دگرگون و از اقتصادی حمایتگرا به اقتصادی بازار محور تبدیل نمود. مشکلات و آسیب های شدید اجتماعی ناشی از تورم و گسترش فقر در این کشور در اواخر دهه ۸۰ و بخشی از دهه ۹۰ قرن بیستم عمدتاً ناشی از واگذاری نقش دولت به بازار و قرار دادن اقتصاد در معرض آزاد سازی بدون توجه به نتایج اجتماعی آن بوده است که این سیاست ها در کاهش درآمد سرانه و افزایش ضریب جینی و گسترش عمومی فقر نمود یافت. به ویژه اجرای بلافصل این سیاستها از سوی احزاب عمدتاً لیبرال در برزیل در سالهای دهه ۹۰ قرن بیستم از جمله در دولتهای دمبو و کاردوسو بیشتر به نفع طبقه سرمایه دار برزیل خاتمه یافت. اما این سیاست ها در توسعه اقتصاد صادراتی و افزایش نرخ سرمایه گذاری خارجی در برزیل نقشی بی بدیل داشتند. در مجموع تجربیات و ناکامی های ناشی از اجرای این راهبرد، سبب شد تا سیاست های تعدیل ساختاری و نولیبرالی حزب پی اس دی بی در دوره حاکمیت حزب کارگر به نفع یک توسعه اقتصادی دولت محورتر و حمایتگرایانه تر یا نومرکانتیلیستی با تمرکز و توجه به وضع معیشتی توده های مردم و توسعه طبقه متوسط تغییر جهت داده و بار دیگر نقش نظارتی دولت در برقراری تعادل در سیاست های آزاد سازی در کنار توجه به آسیب های اجتماعی و طبقاتی مورد توجه قرار گیرد. تجربه موفق اعطای یارانه های مختلف دولتی در دوران لولا در همین راستا بود. اگرچه دستاوردهای دولت های نولیبرال دومبو،فرانکو و کاردوسو در توسعه صنعتی برزیل غیر قابل انکار است و از جمله این کشور نرخ رشد صنعتی تا ۴۰ درصد را در دهه ۹۰ قرن بیستم تجربه

نمود، اما تعدیل مکانیزم های بازار محور اقتصاد نولیبرالی از جمله ایجاد نهادهای نظارت محور اقتصادی و اجتماعی و رها نکردن توده های کم درآمد به امان منطق بازار آزاد در کنار استمرار سیاست های افزایش سرمایه گذاری خارجی و توسعه ظرفیت صادراتی برزیل، از مهمترین ابتکارات دولت های کارگری لولا و روسف در خصوص توسعه متوازن در برزیل بوده است و به همین دلیل در دوران حاکمیت حزب کارگر، هم شاهد افزایش کیفیت زندگی مردم برزیل و هم شاهد بهبود شاخص های توسعه صنعتی و اقتصادی در این کشور هستیم. حزب کارگر در طول زمامداری ۱۳ ساله خود سعی در بومی سازی سیاست های نولیبرال و تلفیق الگوهای محلی تر توسعه مبتنی بر عدالت محوری با حفظ و توسعه روابط با نظام سرمایه داری جهانی نمود و به همین دلیل هم توانست الگوی موفق تر و متوازن تری از توسعه اقتصادی را در مقایسه با احزاب لیبرال و مدل نولیبرالی ارائه دهد، به طوری که تحولات اقتصادی صورت گرفته در دوران حاکمیت حزب کارگر به منزله یک نقطه عطف جدید از لحاظ توسعه اقتصادی و اجتماعی در این کشور به شمار می رود که موقعیت جهانی برزیل را به نحوی بی سابقه ای ارتقا داده است. فقط نگاهی به شاخص های افزایش دو برابری تولید ناخالص داخلی و سرانه آن، کاهش قابل ملاحظه فاصله ضریب جینی و افزایش بی سابقه تجارت خارجی کشور و افزایش ارزش پول ملی و سایر شاخص های کلان اقتصادی، میزان کار انجام شده در این کشور را در طول سال های اخیر به خوبی به تصویر می کشد، به گونه ای که انتظار می رود با توجه به بستر سازی صورت گرفته توسط حزب کارگر در سال های گذشته حتی سقوط دولت روسف و به قدرت رسیدن مجدد حزب پی اس دی بی خلل جدی در مسیر توسعه اقتصادی و صنعتی برزیل ایجاد نکند، اگر چه فساد سیاسی نهفته در بوروکراسی عریض و طویل دولتی در برزیل همچنان یکی از مهمترین موانع توسعه و رشد اقتصادی بیشتر در این کشور است.

منابع

- Antonieta Maria ,Pignatari Silva,Leandro,**Brazil and the G20,Recent Development Strategy and Strength among New Emerging Economies,**
- Antonio,Jose Ocampo& Bertola,Luis,**Desarollo Vaivenes y Desigualdad,Una Historia Economica De America Latina Desde La Dependencia,Secretaria General ibero Americana,2009.**

- Altmann, Josette&Fander falconi, **America latina y el Caribe: perspectivas de Desarrollo y coincidencias para la Transformacion del estado**, Publicaciones de Flasco, 2011.
- Carreras, Albert, Hofman, and Andre, Tafunell Xavier, **El Desarrollo Economico de america latina en epocas de Globalizacion**, CEPAL, 2010.
- Fernandes Da Silva, Marcos, **The politica Economy of Corrupcion in Brazil**, University of London, 1999.
- Jackson Robert, Sorensen George, **Introduction to International relations**, Oxford, 2009
- Gustavo Rojas De Cequeira Cesar, **El caso Brazilano**, 2012
- Holand Barbosa, Fernando, **Economic Development, Brazilian Experience**, 20049- Lora , Eduardo & Payne, Mark, & Stein Ernesto, **La Política de las políticas Publicas, Progreso economic y**
- Manfred B. Steger & Ravi K. Roy, **A very short Introduction to Neoliberalism**, Oxford university press, 2010.
- Nassif, Andre & Feijo Carmen & Araujo, Elliane, **Is Brazil Catching up or Falling Behind?** United Nations Publications, 2013.
- Peet, Richard and Hartwick, Elaine "Theories of Development" , Guilford Press, 2009
- Reid, Michael, "Forgotten Continent, The Battle for Latin America's Soul", Yale university press 2009.
- Rojas Fransisco, Alvarez Andrea, **America Latina y el Caribe, Globalizacion y conocimiento** , flasco 2011.
- Sanchez, Omar, "Globalization as development Strategy in Latin America", 2003. 16- Tapajos, Maria, **Estado, Políticas Publicas y Desarrollo social en Brasil**, Ministerio de Desarrollo Social, 2009
- Vicente , Juan & Banchiller, Cabria, **Las Estrategias De Desarrollo Economico en Brazil 1952-2010**, Salamanca, 2012.
- Cordera Rolando, **El desarrollo Hoy y Ayer**, Revista cepal, 113, Agosto 2014,
- Haber, Stephen, **Crecimiento Economico E Historia Economica De America Latina, Economia, Theoria Y Practica**, Numero 8, 1997
- Jaime Ortega Reyna, **La configuracion neoliberal en America Latina**, Espiral, Estudios sobre Estado y Sociedad Vol. XVIII No. 52 · Septiembre / Diciembre de 2011
- Cristina, Mariana, **Brazil Un Caso Reciente De Crecimiento Economico** , Revista de Studios Empresariales, N1, 2011
- <http://countrystudies.us/brazil/16>.
- <https://fee.org/articles/milton-friedman-and-the-chicago-school-of-economics/>
- www.globalfinancialdata.com/gfdblog/?p=19
- <http://repository.cmu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1897&context=tepper>
- <http://www.tradingeconomics.com/brazil/currency>

- <http://data.worldbank.org/indicator/SI.POV.GINI>
- <https://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/2012/wp12224.pdf>
- <http://www.indexmundi.com/facts/brazil/interest-rate-spread>
- <http://www.tradingeconomics.com/brazil/foreign-exchange-reserves>

- <http://www.tradingeconomics.com/brazil/gdp>

- <http://www.tradingeconomics.com/brazil/balance-of-trade>

- <http://www.sjsu.edu/faculty/watkins/brazilinfl.htm>
- <http://www.eltiempo.com/multimedia/especiales/dilma-rousseff-y-el-escandalo-politico-de-corrupcion-en-brasil/16588325/1/>
- <https://magnet.xataka.com/en-diez-minutos/que-esta-pasando-en-brasil-y-por-que-podria-acabar-con-la-presidencia-de-dilma-rousseff>
- https://en.wikipedia.org/wiki/Economy_of_Brazil
- <http://www.worldbank.org/en/country/brazil>
- <http://countryeconomy.com/hdi/brazil>
- <https://mises.org/library/neo-mercantilism>
- <http://www.economicshelp.org/blog/17553/trade/mercantilism-theory-and-examples>
- <https://www.slideshare.net/falcoforado/neoliberalism-and-denationalization-of-the-economy-of-brazil>
- <http://repositorio.cepal.org/bitstream/handle/11362/10795/73147169I.pdf?sequence=1>
- <https://knoema.com/atlas/brazil/unemployment-rate>
- http://www.theglobaleconomy.com/Brazil/Stock_market_capitalization/
- <https://www.statista.com/statistics/263631/trade-balance-of-brazil/>
- http://unctad.org/en/publicationslibrary/wir2011_en.pdf
- http://www2.congreso.gob.pe/sicr/cendocbib/con4_uibd.nsf/onstituci%C3%B3n_Brasil.pdf